

## شناخت آلات موسیقی اصیل افغانستان

موسیقی با رگ و پود هستی آمیزش یافته و هرگز نمی‌توان آن را از جسم و جان موجودات عالم بویژه انسان جدا کرد. نغمهٔ آبشاران، نجوای پنهان و آشکار طبیعت، نوای دلنشین پرنندگان و آواز مستانهٔ ساز نوازندگان در ژرفای دل آدم نفوذ می‌کنند و به انسان شور، تپش، انرژی اسرارآمیز حیات و دل‌زندگی جاودانه می‌بخشند.

کسانی که موسیقی را درک و احساس کرده نمی‌توانند صخره سنگ‌هایی را مانند که از ظرافت‌ها و نازکی‌های عاطفه و احساس زندگان بی‌بهره اند. افراطیون کوردل و ظالم هرچند تلاش می‌ورزند تا موسیقی را از فرهنگ و مدنیت ما دور کنند؛ اما هرگز موفق نمی‌شوند؛ زیرا انسان به دون احساس، عاطفه و ذوق هنری جسم مرده و بری از تپندگی و تر و تازگی خواهد بود.

در خراسان زمین (افغانستان کنونی) موسیقی با تاریخ، فرهنگ و تمدن ما چونان آمیزش یافته که به روح زنده، بالنده و مستانهٔ زندگی تبدیل شده و در تمام عرصه‌های حیات نفوذ کرده است. در درازنای تاریخ در این قلمرو کهن آلات موسیقی بسیار متنوعی ساخته شده است که استادان فن آن‌ها را در بزم‌های شاهانه، حلقه‌های عارفانه و مجالس مردمی می‌نواختند. در سده‌های اخیر خاصه در قرن جاری به سبب فرهنگ ستیزی، تعصب و نا آگاهی حاکمان وقت بسیاری از ارزش‌های فرهنگی، تمدنی و هنری ما در لابلای گرد و غبار فراموشی دفن شده و یا همسایگان ما آن‌ها را در لیست میراث تاریخی، فرهنگی و هنری خویش ثبت کرده اند.

افغانستان کنونی به مثابهٔ قلب مرکزی خراسان بزرگ در درازنای تاریخ همواره خاستگاه و پرورشگاه موسیقی و ساخت آلات موسیقی بوده است؛ اما در معرفی آن پژوهشگران و قلمبده‌ها ما کار لازم علمی و تحقیقاتی نکرده اند. با درک این ضعف و خالیگاه با وجود مصروفیت‌های مطالعاتی، پژوهشی و فرهنگی‌ام، تلاش ورزیدم تا در معرفی آلات موسیقی اصیل این قلمرو گامی ابتدایی بردارم تا سپس اشخاص مسلکی و کارشناسان موسیقی کشور آن را به مرحلهٔ کمال برسانند. پیش از همه از کم و کاستی‌های این نبشته پوزش می‌خواهم. در زیر آلات موسیقی معرفی شده است.

### تنبور

آلهٔ موسیقی زهی (تاردار) است که از چوب توت ساخته شده است. طول آن در حدود یک متر و سی و دو سانتی بوده و با ناخنک نواخته می‌شود. تنبور دارای دو تار اصلی و پانزده تار فرعی است. بیست و هفت پرده دارد. این ساز اصیل افغانستان و خراسان کهن در اغلب نقاط کشور مورد استفاده

قرار می‌گیرد. تنبور نوازان معروف افغانستان در گذشته و حال بی‌شمار اند؛ اما از استادان معروف آن می‌توان در عهد تیموریان هرات (قرن نهم هجری) از استاد علی کوچک و در سده جاری از استاد عبدالمجید نام گرفت.



تنبور

### دنبوره

دنبوره از قدیمی‌ترین آلات موسیقی محلی افغانستان می‌باشد که به شکل بسیار ساده‌ای از چوب توت ساخته شده است. طول آن یک متر است و به آن دمبوره و دومبیره نیز می‌گویند. دنبوره دارای دو تار اصلی روده‌ای است. تار فرعی و پرده ندارد و با انگشتان دست نواخته می‌شود. این ساز محلی در بین مردم هزاره و مردم ولایات شمال افغانستان روایح زیادی دارد.



دنبوره



فیروزه زن بامیانی که حالا قدش دوتا شده است

### چنگ

چنگ یکی از گونه های ساز زهی باستانی است. در کنار ساز عود از مشهورترین سازهای ایران باستان و خراسان زمین (افغانستان کنونی) به شمار می آید. در ادبیات پارسی بسیار از این ساز یاد شده است و سیاره زهره را چنگزن دانسته اند. نقش برجسته های طاق بستان نوازندگان چنگ را نشان می دهد که در قایق برای شاه ساسانی که به شکارگاه آمده چنگ می نوازند. به مرور زمان این ساز کهن به سان بسیاری از سازهای اصیل دیگر مان مهجور و فراموش شده است. تا قرن نهم هجری در خطه هرات چنگ نوازان مشهوری زندگی می کردند. در عهد تیموریان به زمان سلطان حسین بایقرا از استاد چکر چنگی که چنگ را بسی شیرین می نواخته یاد شده است. چنگ در افغانستان بسی مشهور است.



## رباب

این ساز در خراسان کهن و افغانستان امروزی پیشینه بس دراز دارد و از جمله سازهای خراسانی به شمار می‌آید. رباب آله موسیقی تار می‌باشد که از چوب ساخته شده و کاسه آن با پوست بز پوشیده شده است. در افغانستان سه نوع رباب وجود دارد؛ رباب بم یا بزرگ، رباب میانه و رباب زیرچه یا کوچک. طول یک رباب عادی یا میانه ۹۲ سانتی متر است.

رباب با مضراب (ناخونک) نواخته می‌شود و دارای پنج تار اصلی روده‌یی (دو پیش روی، دو میانه و یک کته) و شانزده تار فرعی فلزی (هشت تار فولادی و هشت تار برنجی است) که جمعاً بیست و یک تار می‌شود. رباب چهارده پرده دارد و گلولی آن کوتاه است. این آله موسیقی در تمام نقاط افغانستان رایج بوده و از آن استفاده می‌شود. در افغانستان رباب‌های صدفکاری شده قشنگی ساخته می‌شود. از استادان مشهور رباب می‌توان به شادروان استاد محمد عمر، استاد عطایی و استاد رحیم خوشنواز اشاره کرد.



## بربط (عود)

بَرَبُط یا عود یا رود سازی زهی است که در شرق میانه و کشورهای عربی رایج است و از قدیمی‌ترین سازهای شرقی به شمار می‌رود. درباره تاریخ پیدایش و خاستگاه این ساز، نظرات متفاوتی وجود دارد. عده‌ای با استناد به تصاویر جاری شده، ریشه آن را در هند و برخی دیگر بلخ گزین را خاستگاه آن می‌دانند. البته گسترش این ساز در میانه عصر اشکانی و سراسر عصر ساسانی در ایران، باعث شده بسیاری آن را سازی ایرانی بدانند. بهر حال این یک ساز خراسانی بوده است که از خراسان به ایران شهر غربی رفته است.



بربط (عود)

این ساز را می‌توان از اصیل‌ترین سازهای موسیقی خراسان زمین به شمار آورد. آثار باستانی میان‌رودان متعلق به هزاره دوم پیش از میلاد، نگاره مردی ایستاده را نشان می‌دهد که به نواختن بربط مشغول است. در حقیقت سومری‌های باستان نخستین مردمی هستند که در آثار به جای مانده از آن‌ها ردپایی از این ساز دیده می‌شود. ساز عود در ایران پیش از اسلام به نام بربط شناخته می‌شد و پس از سومری‌ها و در دوران هخامنشیان رواج داشت. این ساز در عهد ساسانی بیش از همه ادوار رواج پیدا کرد.

گویا در اوایل اسلام به کشورهای عربی راه یافت و جانشین سازی به نام «مزهر» شد. بر پایه برخی از اسناد ابن سریح عجم نخستین کسی است که در عربستان و در قرن یکم هجری عود فارسی یا بربط را نواخته و نوازندگی آن را آموزش داده است. الاغانی می‌گوید: آشنایی او با عود از آنجا شروع شد که «عبدالله ابن زبیر» جمعی از ایرانیان را به مکه دعوت کرده بود تا خانه کعبه را تعمیر کنند. دیوارگران ایرانی عود می‌زدند و اهل مکه از ساز و موسیقی ایشان لذت می‌بردند و آن را تحسین می‌کردند، ابن سریح پس به عود زدن پرداخت و در این صنعت سرآمد هنرمندان زمان گشت. در عهد تیموریان هرات به زمان شاهنشاهی سلطان حسین بایقرا عود نوازی هنوز در خراسان بزرگ رواج افزون داشت. در آن دوره از استاد قل محمد و استاد حسن عودنواز یاد آوری شده است.

ادامه دارد